

هُوَ اللهُ - ای حزب الله، نامه ئی بامضای شما عموماً...

حضرت عبدالبهاء

نسخه اصل فارسی



هُوَ اللهُ

ای حزب الله، نامه ئی بامضای شما عموماً واصل گردید عبارت در نهایت ملاحظت و بلاغت و فصاحت و حلاوت بود. از قرائت نهایت مسرت حاصل گردید. ناطق بر روزه ماه صیام بود. خوشا بحال شما که حکم الهی را مجری داشتید و در ایام مبارکه بصیام قیام نمودید. زیرا این صیام جسمانی رمزی از صیام روحانیست. یعنی کف نفس از جمیع شهوات نفسانی و تخلّق باخلاق روحانی و انجذاب بنفحات رحمانی و اشتعال بنار محبت سبحانی. و همچنین نامه دلیل بر اتحاد و الفت قلوب بود. امید از فضل و موهبت ربّ جلیل در این عصر جدید چنانست که اقلیم غرب شرق شمس حقیقت گردد. و احبّای الهی مطالع انوار و مظاهر آثار شوند. و از شبهات غافلان محفوظ و مصون مانند و ثابت بر عهد و پیمان مانند. شب و روز بکوشند تا خفتگانرا بیدار کنند و غافلانرا هوشیار نمایند. محرومانرا محرم راز کنند و بی‌نوایانرا از فیض ابدی نصیب بخشند. منادی ملکوت گردند و اهل ناسوت را بجهان لاهوت خوانند.

ای حزب الله، امروز در این جهان هر حزبی در بادیه ئی سرگردان و بهوا و هوسی متحرک و بخیال خویش پویان و جویان در بین احزاب عالم این حزب اسم اعظم از هر خیالی فارغ و از هر مقصدی در کنار. و بنیت خالصه قائم و بتعالیم الهی در نهایت آرزو ساعی و مجاهد تا اینکه روی زمین بهشت برین گردد و جهان ناسوت آئینه ملکوت شود. جهان جهان دیگر گردد و نوع انسان تربیت و روش و سلوک دیگر یابد.



ORIGINAL



AUDIO

ای حزب الهی، بعون و عنایت جمال مبارک روحی لاجبائۀ الفداء باید روش و سلوکی نمائید که مانند آفتاب از سائر نفوس ممتاز شوید. هر نفسی از شما در هر شهری که وارد گردد بخلق و خوی و صدق و وفا و محبت و امانت و دیانت و مهربانی بعموم عالم انسانی مشار بالبنان گردد جمیع اهل شهر گویند که این شخص یقین است که بهائیت است زیرا اطوار و حرکات و روش و سلوک و خلق و خوی این شخص از خصائص بهائیانت. تا باین مقام نیائید بعهد و پیمان الهی وفا ننموده اید زیرا بنصوص قاطعه از جمیع ما میثاق وثیق گرفته که بموجب وصایا و نصائح الهیّه و تعالیم ربّانیه رفتار نمائیم.

ای حزب الله، وقت آنست که آثار و کمالات اسم اعظم در این عصر مکرّم ظاهر و آشکار شود تا ثابت و محقق شود که این عصر جمال مبارکست. و این قرن ممتاز از قرون و اعصار.

ای حزب الله، هر نفسی را مشاهده کنید که توجّه تامّ بامر الله دارد و مقصد محصور در نفوذ کلمه الله. شب و روز بنیت خالصه خدمت امر مینماید و ابداً در روش و سلوک رائحه خود خواهی و اثری از غرض شخصی نیست بلکه سرگشته بیابان محبت الله است و سرمست باده معرفت الله. و منہمک در نشر نفعات الله و منجذب بآیات ملکوت الله. یقین بدانید که موفق ملکوتی شود و مؤید آسمانی گردد و مانند ستاره صبحگاهی از افق موهبت ابدی بنهایت نورانیت درخشنده و تابنده خواهد شد. و اگر بشائبه هوی و هوس و خودپرستی مشوب یقین است که مساعی عاقبت بی نتیجه ماند و محروم و مأیوس گردد.

ای حزب الله، الحمد لله جمال مبارک اعناق را از سلاسل و اغلال خلاص نمود و از جمیع قیود رهائی داد و فرمود بار یک دارید و برگ یکشاخسار. بعالم انسانی مهربانی کنید و بنوع بشر مهر پرور گردید. بیگانگانرا مانند آشنا معامله نمائید و اغیار را بمثابه یار نوازش فرمائید. دشمن را دوست بینید و اهرمن را ملائکه شمارید. جفاکار را مانند وفادار بنهایت محبت رفتار کنید و گرگان خونخوار را مانند غزالان ختن و ختا مسک معطر بمشام رسانید. خائفان را ملجأ و پناه گردید و مضطربان را سبب راحت دل و جان. بی‌نویان را نوا بخشید و فقیران را کنز غنا شوید دردمندان را درمان گردید و مریضانرا طیب و پرستار. بصلح و سلام خدمت نمائید و دوستی و راستی و حق پرستی و آشتی در جهان نیستی تأسیس نمائید.

ای حزب الله، همّتی بنمائید بلکه این عالم انسانی نورانی گردد. و این دوره غربا جنت ابهی شود. ظلمت احاطه نموده است و خلق و خوی وحشیانه مستولی گردیده. عالم بشر جولانگاه وحشیان درنده گردیده و میدان جاهلان نادان. نفوس یا گرگ خونخوارند و یا حیوان بی ادراک. یا سمّ قاتلند و یا گیاه عاقل

و باطل مگر اندکی از نفوس که فی الحقیقه فی الجمله مقاصد خیریه دارند و در فکر راحت و آسایش عالم انسانی هستند. اما شما باید در این مورد یعنی خدمهٔ بعالم انسانی جانفشانی کنید و بجانفشانی شادمانی و کامرانی نمائید.

ای حزب الله، حضرت اعلیٰ روحی له الفداء جانرا فدا نمود. و جمال مبارک در هر دمی صد جان فدا فرمود. و تحمل مصائب و شدائد شدید کرده. حبس و زنجیر شد آواره و سرگون دیار بعیده گشت. و عاقبت در سجن اعظم ایام بسر برد. و همچنین جم غفیری از یاران الهی در این سبیل شهد شهادت نوشیدند و جان و مال و اهل و عیال کل را فدا و نثار فرمودند. چه قدر خائمانها که ویران گشت و چه قدر خاندانها که تاراج و تالان گردید. چه بنیانها که از بنیاد برافتاد. و چه قدر قصور معموره که قبور مطموره شد. جمیع بجهت اینکه عالم انسانی نورانی گردد و نادانی بدائنی مبدل شود و نفوس بشری رحمانی گردند و نزاع و جدال بکلّی از بین و بنیاد برافتد و ملکوت صلح بر عموم بشر استیلا یابد. حال شما همت نمائید که این دلبر آمال در انجمن عالم جلوه نماید و این موهبت حاصل شود.

ای حزب الله، مبدا خاطری بیازارید و نفسی را محزون کنید و در حقّ شخصی چه یار و چه اغیار چه دوست و چه دشمن زبان بطعنه گشائید در حقّ کلّ دعا کنید و از برای کلّ موهبت و غفران طلبید. زنهار زنهار از اینکه نفسی از دیگری انتقام کشد و دشمن خونخوار باشد. زنهار زنهار از اینکه نفسی خاطری بیازارد و بدخواه و بدکردار باشد. نظر بخلق نمائید توجه بخلق کنید قوم عنود را ببینید ربّ الجنود را ملاحظه کنید. خاک را ببینید پرتو آفتاب تابناک ببینید که هر خاک سیاه را روشن و پدیدار کرده.

ای حزب الله، در موارد بلا صبر و سکون و قرار یابید هر قدر مصائب شدید شود مضطرب نشوید در کمال اطمینان بفضل حضرت یزدان مقاومت طوفان محن و آلام نمائید.

در سال گذشته بعضی از بیوفایان از یار و اغیار و بیگانه و آشنا بدربار اعلیحضرت پادشاه عثمانیان در حقّ این آوارگان سعایتی نمودند و افترا و بهتانی زدند که این آوارگان بری از آن مفتریاتند. حکومت بمقتضای مصلحت بتحقیق و تدقیق این مفتریات برخاست و جمعی از مفتشین را باین بلد ارسال فرمود. دیگر معلوم است که بدخواهان چه میدانی یافتند. و چه طوفانی برپا نمودند تحریر و تقریر نتوان نمود. اگر نفسی حاضر بود میدانست که چه قیامتی برپا شد و چه زلزله و مصائبی رخ داد با وجود این با نهایت سکون و اطمینان و صبر و قرار متوکلّاً علی الله رفتار شد. بقسمیکه اگر کسی نمیدانست گمان مینمود که در نهایت آسایش وجدان و راحت دل و جان و شادمانی و کامرانی هستیم. و نوعی واقع گردید

که نفس مدعیان و مفتریان در تحقیق و تفتیش با مأمورین سهیم و شریک شدند و مدعی و حاکم و شاهد نفوس واحده گردید. دیگر معلوم است که چه واقع گشت. با وجود این انصاف اینست که اعلیحضرت پادشاه عثمانیان اعتنا باین سعایتها و روایتها و حکایتها و مفتربات تا بحال نمودند. و بعدل و انصاف معامله کردند فی الحقیقه هر کس غیر این پادشاه بود این آوارگان را اثری باقی نمیماند. انصافش اینست نباید از انصاف گذشت.

و امروز در قطعه آسیا فی الحقیقه پادشاه آل عثمان و پادشاه ایران مظفرالدین شاه مثل و مانندی ندارد. اگر بدانید که فساد دشمنان و فتنه بدخواهان علی الخصوص برادر نامهربان چه در اینجا و چه در ایران بچه درجه است. و با وجود این فساد و این فتنه این دو پادشاه بسکون و وقار حرکت میفرمایند. البته یقین مینمائید که هر دو عادلند اگر ملوک سلف بودند البته روزی هزار نفر از خلق در ایران تلف میشد. پس در حقّ این دو پادشاه دعا کنید و طلب عون و عنایت نمائید و فتح و نصرت جوئید علی الخصوص پادشاه آل عثمان که محض عدالت تا بحال با این آوارگان معامله فرموده است.



مناجات

پروردگارا یاران غرب را بنفثات روح القدس مشام معطر فرمودی. و افق غرب را بنور هدایت روشن نمودی. دوران را نزدیک کردی و اغیار را یار مهربان فرمودی. خفتگانرا بیدار کردی و غافلانرا هوشیار فرمودی.

ای پروردگار این دوستان بزرگوار را مؤید و موفق برضای خویش فرما و خیرخواه بیگانه و خویش کن بجهان ملکوت ابدی درآر و از فیض لاهوت نصیب بخش. بهائی حقیقی کن و ربّانی صمیمی فرما. از مجاز برهان و در حقیقت مستقرّ فرما. آیات ملکوت کن و کواکب درخشنده در افق ناسوت نما سبب راحت و آسایش عالم انسانی فرما و خادم صلح عمومی کن کلّ را از باده وصایا و نصائح خویش سرمست کن. و جمیع را در سبیل تعالیم خود روش و سلوک عطا بخش.

ای پروردگار آرزوی این بنده درگاه آنست که یاران باختر را بینم دست در آغوش دوستان خاور نموده‌اند و افراد انسانی بنهایت مهربانی اعضای یک انجمنند و قطرات یک بحر طیور یک گلشنند و لئالی یک دریا. اوراق یکشجرند و انوار یک شمس. توئی مقتدر و توانا و توئی قادر و عزیز و بینا ع

